درمکتب امام

شما بروید، منطقه آرام می‌شود

آمریکا در هر نقطه‌ای که دستش برسد می گوید ما برای صلح می‌خواهیم برویم و لکن فساد ایجاد می کند. نمی‌دانم این مَثَل را شما شنیدید یک بچه، پسر کوچکی بود که یک نفر آدم کریه‌المنظر که صورتش جوری بود که بچه‌ها از او می‌ترسیدند، او بغلش گرفته بود و او از ترس همین آدم گریه می کرد، این می گفت نترس من اینجا هستم، یک کسی به او گفت که آقا این از تو می‌ترسد، تو این را بگذار زمین، این آرام می‌شود. حالا اینها، قدرت‌های بزرگ، آمده در افغانستان می گوید نترسید ما اینجاییم! در لبنان هم نترسید، ما اینجا هستیم! خوب، این مردم از شما می‌ترسند، خوب، شما بروید کنار مردم آرام می گیرند.

صحیفه امام؛ ج۱۸؛ ص۲۳۸ | جماران؛ ۱۶ آذر ۱۳۶۲

مقاله وارده

پیامدهای خسارت‌بار مذاکره مجدد با آمریکا

دکتر ابراهیم کارخانه‌ای

۱- تزلزل پایه‌های عزت و غیرت و بی‌محتوا شدن حکمت و مصلحت در دستگاه سیاسی و دیپلماسی در صورت حضور مجدد بر سر میز مذاکره‌ای که به گفته رئیس‌جمهور محترم و رئیس دستگاه دیپلماسی توسط آمریکا منهدم شده است!

۲- تحقیرآمیز بودن حضور مجدد ایران بر سر میز مذاکره، پس از برملا شدن ۵ دور مذاکره پوششی فریبکارانه برای کسب فرصت و حمله غافلگیرانه علیه جمهوری اسلامی ایران.

۳- بی‌پاسخ ماندن «هوشمندی، عقلانیت و شرافتمندی» مطرح شده از سوی رهبری انقلاب در اذهان عمومی مردم در ردّ مذاکره با آمریکا.

۴- ابراز رضایت و خرسندی آمریکا و غرب از کشاندن جمهوری اسلامی ایران به پای میز مذاکره و عبور از خیانت و جنایت آنها و در مقابل نگرانی و خشم نیروهای انقلاب از تن دادن تیم مذاکره‌کننده به بازگشت منفعلانه به دور جدید مذاکرات هسته‌ای که به گفته ترامپ تاسیسات آن نابود شده است!

۵- فرصت دادن و به تعبیر شهید حاج قاسم سلیمانی کوچه دادن به دشمن در جهت عقب‌نشینی جمهوری اسلامی ایران از دیگر مواضع قدرتی خود، آن هم پس از بمباران شدید تاسیسات هسته‌ای و ترور دانشمندان نام‌آور هسته‌ای.

۶- فراهم شدن بستر لازم برای اعمال خدعه و فشار مجدد علیه جمهوری اسلامی ایران، در صورت مقاومت و ایستادگی در برابر زیادت‌طلبی و فریبکاری‌های از قبل برنامه‌ریزی و طراحی شده آمریکا.

۷- غفلت و نادیده گرفتن جایگاه بلند و قدرتمند جمهوری اسلامی ایران در میدان مذاکره (معامله) که طی ۴۷ سال مجاهدت قهرمانانه و با تقدیم خون پاک بیش از ۲۳۰ هزاران شهید به دست آمده است.

۸- سست شدن مبنای پایه‌های تصمیم‌گیری نظام اسلامی در منطقه و جهان.

۹- انسجام و همبستگی در بین نیروهای مخالف و یاس و سرخوردگی در جبهه درونی نیروهای انقلاب.

۱۰- انفعال، تزلزل و به‌هم‌ریختگی در نظام تصمیم‌سازی سیاسی جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم خیانت و جنایت آمریکا پس از ۵ دور مذاکره.

۱۱- تطهیر چهره عهدشکن و جنایتکار آمریکا در سطح منطقه و جهان علی‌رغم خروج از برجام و فریبکاری و ارتکاب جنایت بر سر میز مذاکره.

۱۲- تنزل جایگاه سیاسی و قدرتی جمهوری اسلامی ایران از قله مقاومت و پایداری که اکنون در جهان طنین‌انداز است به کشوری مرعوب و محتاج به آمریکا.

۱۳- تضاد و دوگانگی در بین شعارهای نهادینه شده انقلاب در افکار مردم و اعمال مسئولین.

۱۴- سرخوردگی و شکاف در بین نیروهای طرفدار انقلاب اسلامی در منطقه و جهان در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران و رهبری حکیم انقلاب اسلامی در اوج محبوبیت در بین مسلمانان و آزادگان و اندیشمندان جهان قرار دارند.

۱۵- ضربه به شعار محوری استکبارستیزی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که طی ۴۰ و اندی سال گذشته همواره جمهوری اسلامی ایران منادی آن بوده است.

۱۶- بازسازی و تحکیم جایگاه سیاسی و قدرتی آمریکا در منطقه و جهان.

۱۷- به فراموشی سپردن چهره عهدشکن آمریکا در خروج از برجام.

۱۸- عبور از خیانت و جنایت به جای پیگیری خسارت و خونخواهی ۱۱۰۰ شهید مظلوم و قهرمان ایران اسلامی که قربانی فریبکاری آمریکا در پشت میز مذاکره شدند.

۱۹- ارتقاء جایگاه آمریکا در منطقه که با پیروزی جمهوری اسلامی ایران در جنگ دوازده روزه به شدت سقوط کرده بود.

۲۰- القاء تسلیم جمهوری اسلامی ایران در برابر خواسته‌های آمریکا پس از چهل و اندی سال مبارزه و شعار مرگ بر آمریکا.

۲۱- خدشه بر اقتدار و غرور ملی و انقلابی ملت ایران در افکار عمومی ملت‌های مسلمان و آزادگان جهان که به انقلاب اسلامی دل بسته‌اند.

۲۲- تضعیف محور مقاومت که امروز دامنه آن به اقصی نقاط جهان گسترش یافته است.

۲۳- خدشه بر حیثیت، عزت، اقتدار و استقلال جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری نفوذناپذیر در برابر سلطه‌گری آمریکا در منطقه و جهان.

۲۴- جبران ناپذیر بودن بار منفی سیاسی مذاکره بعد از ارتکاب خیانت و جنایت و بمباران تاسیسات هسته‌ای نسبت به دور قبلی مذاکرات.

۲۵- به زیر سؤال رفتن عنصر مقاومت و ایستادگی در استراتژی سیاسی جمهوری اسلامی ایران.

۲۶- دوگانگی و عدم شفافیت در اعلام مواضع صریح سیاسی و دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران.

۲۷- ترغیب دشمن به زیاده‌خواهی و طرح خواسته‌های جدید به نحوی که پس از چراغ سبز برخی مسئولین برای مذاکره مجدد با آمریکا، نتانیاهو نخست‌وزیر جلاد رژیم صهیونیستی و اولین نیروی نیابتی آمریکا در منطقه موضوع نابودی موشکی ایران را پس از نابودی هسته‌ای مطرح کرد.

۲۸- ناامیدی حرکت‌های انقلابی و اسلامی با نگاه به جمهوری اسلامی به عنوان قله آمریکاستیزی در منطقه و جهان و حضور مجدد در پای میز مذاکره با آمریکا.

۲۹- پوچ بودن سراب رفع تحریم‌ها و سرمایه‌گذاری صدها میلیارد دلاری شرکت‌های آمریکایی که حتی در کشورهای تحت سلطه آمریکا هم سابقه ندارد!

۳۰- نادیده گرفتن شأن و جایگاه رفیع ملت امام حسین(ع) با طرح پیشنهاد تضمین ترامپ برای عدم حمله اسرائیل به ایران در زمان مذاکره که به مراتب خفت‌بارتر از تضمین برجام و مکانیسم ماشه است.!!

پهلوگیری همزمان ۱۰ کشتی حامل ذرت دامی در بندر امیرآباد

ساری- خبرنگار کیهان:

۱۰ فروند کشتی حامل ۲۹ هزار تُن ذرت دامی وارداتی، به‌صورت همزمان در بندر امیرآباد بهشهر پهلو گرفتند.

سرپرست جهاد کشاورزی شهرستان بهشهر گفت: ۱۰ فروند کشتی حامل ۲۹ هزار تُن ذرت دامی وارداتی، به‌صورت همزمان در بندر امیرآباد بهشهر پهلو گرفتند.

سمیه حسنی افزود: به منظور تضمین سلامت و کیفیت محموله‌ها و جلوگیری از انتقال هرگونه آلودگی گیاهی یا دامی به کشور تمامی محموله‌های وارداتی پیش از تخلیه، توسط مأمور قرنطینه گیاهی این مدیریت تحت کنترل‌های بهداشتی و استانداردهای قرنطینه‌ای قرار می‌گیرند.

سرپرست جهاد کشاورزی شهرستان بهشهر ضمن اشاره به نقش این واردات در تأمین نیاز دامداران اظهار داشت: ورود این محموله‌ها علاوه‌بر تأمین بخشی از نیاز دامداران، بیانگر پویایی اقتصاد و ثبات در بازار نهاده‌های دامی است.

حسنی افزود: فعالیت پرحجم در بندر امیرآباد، سبب افزایش اشتغال‌زایی مستقیم و غیرمستقیم برای نیروهای بومی منطقه شده است و نشان‌دهنده ظرفیت بالای زیرساختی استان مازندران در حوزه تجارت بین‌الملل است.

به گفته وی واردات این محموله‌ها نشان می‌دهد می‌توان با برنامه‌ریزی دقیق، نیازهای راهبردی کشور را بموقع تأمین کرد.

گزارش کیهان از دهمین سالگرد خسارت محض برجام

با شعار مذاکره برای لغو تحریم جنگ هم به تحریم اضافه شد!

سرویس سیاسی-

با وعده لغو همه تحریم‌ها، برجامی‌ها توافقی را امضا کردند که نه‌تنها تحریم‌ها را برنداشت، بلکه بستر تحریم‌های فلج‌کننده‌تر و تهدیدهای نظامی گسترده‌تر شد. حالا در دهمین سالگرد امضای برجام، کشوری که قرار بود از بند فشارهای اقتصادی رها شده، از طریق برجام به توسعه برسد و از سایه جنگ نجات یابد، جنگ را هم در کنار تحریم تجربه کرده است؛ و این همه، نه در دولت‌هایی که به‌زعم غرب‌گرایان داخلی «تندرو» معرفی می‌شدند، بلکه در زمان حاکمیت تفکر برجامی اتفاق افتاده است. توافقی که به جای گشایش، زنجیر شد؛ و به جای ندای صلح، شیپور جنگ بود.

دهمین سالگرد توافقی که با وعده لغو یک‌باره تحریم‌ها آغاز شد، اما با تحریم‌های بیشتر، جنگ، بی‌ثباتی و خسران ختم شد. توافقی که در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ به امضای دولت وقت رسید، نه‌تنها معیشت مردم را بهبود نبخشید، بلکه چنان زخم‌هایی بر پیکره کشور وارد کرد که تا امروز نیز التیام نیافته است. این گزارش مروری است بر میراثی که «برجام» نام داشت اما «خسارت محض» معنا و نتیجه‌اش بود.

نه تحریم کم شد، نه جنگ دور برجام به چه کار آمد؟

روز گذشته، ۲۳ تیر ۱۴۰۴، دهمین سالگرد امضای توافقی بود که مسئولان وقت با شعار «تعامل برای رفع تحریم» بر آن اصرار ورزیدند. اما حالا و پس از گذشت یک دهه، ایران نه‌تنها با تحریم‌هایی سنگین‌تر از گذشته دست و پنجه نرم می‌کند، بلکه برای نخستین‌بار پس از پایان جنگ تحمیلی، طعم جنگی مستقیم را نیز چشیده است؛ جنگی که در سایه دیپلماسی غرب‌گرایانه تحمیل شد، نه بازدارندگی.

برجام قرار بود سایه تحریم را بردارد، اما سایه جنگ را به آن افزود. آن‌هم نه در دوران دولت‌هایی همچون دولت نهم، دهم و سیزدهم که مدعیان اصلاحات، آنها را «تندرو» می‌نامیدند، بلکه در دولت چهاردهم؛ همان دولتی که با تفکر برجامی به میدان آمد و شعار «رفع تهدید جنگ از کشور با زبان مذاکره» سر داد!

پایان برجام، آغاز فشار: از تحریم تا ماشه

در ماه‌های منتهی به مهر ۱۴۰۴ که موعد رسمی پایان مهلت برجام اعلام شده، هیچ اثری از کوچک‌ترین دستاورد برای ایران دیده نمی‌شود. حتی «سایه توافق» هم از سر ایران رخت بربسته، اما آخرین ترکش‌های آن هنوز فعال است. یکی از این ترکش‌ها، مکانیسم «ماشه» است که زمانی به عنوان اهرم بازگشت‌پذیر تحریم‌ها معرفی شد و حالا به ابزاری تمام‌عیار برای افزایش فشارهای رسانه‌ای و سیاسی علیه ایران تبدیل شده است. مکانیزمی که در دولت حسن روحانی و با امضای محمدجواد ظریف پذیرفته شد و اکنون به تهدید بالفعل علیه کشور تبدیل شده است؛ آن هم درحالی که برجام از هفت سال پیش عملاً و رسماً مرده بود.

برجام؛ توافقی بدون هدف یا توافقی برای خلع سلاح؟

دهمین سالگرد برجام، فرصتی است برای پرسیدن یک سؤال ساده اما اساسی: هدف از برجام چه بود؟ آیا قرار بود تحریم‌ها برداشته شود؟ یا جنگ به کشور تحمیل نشود؟ یا غنی‌سازی تعلیق شود؟ یا ایران کنترل شود؟

در حالی که امضاکنندگان برجام در داخل کشور، از پاسخ شفاف به این سؤال طفره رفته‌اند، طرف غربی بارها و بارها اعلام کرده است که هدف‌شان از این توافق، «مهار برنامه هسته‌ای ایران» و «خلع سلاح راهبردی جمهوری اسلامی» بوده است.

در سوی دیگر، دولتی که در ابتدا وعده لغو تمام تحریم‌ها را می‌داد، با شکست پروژه اقتصادی، ناگهان تغییر موضع داد و هدف از برجام را «دفع خطر بروز جنگ» اعلام کرد. حال سؤال مهم‌تر این است: وقتی هم تحریم ماند و هم جنگ آمد، پس دستاورد برجام چه بود؟ پاسخ این سؤال را باید در دل واقعیت‌های امروز جست‌وجو کرد، نه در بیانیه‌های تبلیغاتی آن روزها.

دیکتاتوری لبخند؛ چگونه هر نقدی خفه شد؟

یکی از وجوه مهم برجام، نه فقط محتوای آن، بلکه نحوه مواجهه جریان غرب‌گرای داخلی با منتقدان بود. در سال‌های ابتدائی، هرگونه نقد علمی و دلسوزانه به این توافق با شدیدترین برچسب‌ها پاسخ داده می‌شد: «بی‌سواد»، «تندرو»، «دلواپس» و حتی «ضد صلح» فضائی از دیکتاتوری رسانه‌ای بر کشور حاکم شده بود. گماشته‌های رسانه‌ای دولت وقت در طیف مدعی اصلاحات، عملاً اجازه تنفس به منتقدان نمی‌دادند و حتی اساتید دانشگاهی را که فقط خواستار شفافیت در بندهای توافق بودند، با هجمه‌های بی‌امان مورد حمله قرار می‌دادند.

حق با منتقدان بود

حال و در آستانه ده سالگی برجام، روشن شده که تحلیل‌های منتقدان تا چه حد دقیق و آینده‌نگرانه بوده است. دکتر فواد ایزدی، از نخستین کسانی بود که نسبت به ناآگاهی تیم مذاکره‌کننده دولت یازدهم از ساختار حقوقی آمریکا هشدار داد و در جلسه اساتید دانشگاه با وزیر خارجه وقت(محمدجواد ظریف) با اشاره به مجادله توئیت تام کاتن سناتور آمریکایی درباره خروج راحت آمریکا از برجام خواستار توضیح ظریف در این خصوص شد.

گرچه ظریف در آن جلسه، مدعی غیر ممکن بودن خروج آمریکا از برجام شده بود ولی خروج بی‌کیفر آمریکا از برجام و دیگر نشانه‌های تاریخی، ناآگاهی و نابلدی وی نسبت به ساختار حقوقی و سیاسی آمریکا و عدم احاطه وی بر علم روابط بین‌الملل را آشکار ساخت.

از سوی دیگر، شهید دکتر فریدون عباسی، دانشمند هسته‌ای که دو بار هدف ترور صهیونیست‌ها قرار گرفت، آشکارا نسبت به تبعات فنی و راهبردی این توافق هشدار داد. سخنان وی درباره افت توان بومی هسته‌ای ایران، عقب‌نشینی از فناوری‌های پیشرفته و محدودسازی ظرفیت دانشمندان کشور در صنعت هسته‌ای، امروز دیگر یک هشدار نیست؛ بلکه واقعیتی تلخ و جاری است.

عجیب‌تر اینکه این شهید که تنها جانباز هسته‌ای کشور تا پیش از جنگ اخیر به شمار می‌آمد و در تمام این سال‌ها کینه صهیونیست‌ها از او باقی مانده بود و نهایتا برای بار دوم هدف ترور قرار گرفته و به شهادت رسید، از سوی طیف برجامی مکرراً مورد حملات رسانه‌ای قرار می‌گرفت.

مقایسه‌ای عینی؛ کیهان یا برجامی‌ها کدام‌یک درست گفتند؟

دقت پیش‌بینی‌های کیهان در طول این سال‌ها را باید کنار وعده‌های خیالی و آرمانی برجامی‌ها قرار داد. وعده‌ها و خیالاتی که هنوز هم بانیان برجام از آن دست برنداشته و با فرار رو به جلو خود را در قبال خسارت‌های برجام تبرئه می‌کنند.

اکنون در زمانی که حسن روحانی کماکان قائل به تقصیر خود در این ضربه به منافع ملی نیست و درحالی که جواد ظریف حتی در سال اخیر نیز همچون دولت یازدهم و دوازدهم، کارویژه دولت چهاردهم را جلوگیری از جنگ معرفی می‌کرد، امروز با واقعیتی مواجهیم که در سایه تفکر برجامی نفوذ کرده در دولت فعلی، جنگ به کشور تحمیل شد.

این درحالی است که در دوران دولت‌هایی همچون دولت نهم، دهم و سیزدهم که از نگاه طیف غربگرای داخلی و مدعی اصلاحات، «تندرو»، «ضد مذاکره» و «تنش‌زا» معرفی می‌شدند، کوچک‌ترین نشانی از جنگ دیده نشد. بنابراین، باید صریح گفت: آنچه امنیت را تضمین می‌کرد، لبخند نبود؛ اقتدار بود. اقتداری که با برجام از خدشه‌دار شد.

در آستانه دهمین سالگرد توافقی که امروز حتی طرفداران سابقش نیز درباره آن سکوت کرده‌اند، ناظران منصف و مستقل باید یک مقایسه صادقانه و مستند میان پیش‌بینی‌ها و مواضع کیهان و ادعاهای بانیان برجام انجام دهند. مقایسه‌ای که بیش از آنکه نیازمند قضاوت شخصی باشد، تنها نیازمند رجوع به اسناد مکتوب و واقعیت‌های عینی امروز کشور است.

کیهان، از نخستین روزهای آغاز مذاکرات، نه از سر منافع جناحی که طیف برجامی ید طولایی در آن دارند، بلکه از منظر منافع ملی و شناخت دقیق از ساختار قدرت در غرب، نسبت به نتایج خطرناک این توافق هشدار داد.

کیهان هشدار داد که برجام نه‌تنها تحریم را لغو نخواهد کرد، بلکه دشمن را در اعمال فشارهای شدیدتر گستاخ‌تر خواهد کرد. هشدار داد که عقب‌نشینی در برابر آمریکا، نه امنیت می‌آورد و نه معیشت، بلکه تنها دشمن را به تکرار فشار و تجاوز تشویق می‌کند.

در نقطه مقابل، ده سال پس از امضای برجام و در سایه ادامه تفکر برجامی، دشمن صهیونیست با همراهی جنایتکاران آمریکایی، جنگ را پس از ۳۷ سال مستقیماً به کشور تحمیل کرد.

مگر نه آنکه باید ملاک قضاوت، نتایج میدانی باشد؟ امروز این واقعیت غیرقابل انکار است که: تحریم‌ها باقی ماندند، بلکه شدیدتر شدند. توافقی که قرار بود جنگ را دور کند، در عمل زمینه‌ساز آن شد. ظریف و روحانی، بارها و بارها پیش‌بینی‌های خود را نقض‌شده دیدند. و کیهان، با وجود همه حملات و توهین‌ها، درست گفت و درست نوشت.

این حقیقت که «کیهان» برخلاف بسیاری از نهادهای رسانه‌ای، با صداقت و مسئولیت‌پذیری، ده سال پیش نسبت به این نتایج هشدار داده بود، باید امروز مورد قضاوت قرار گیرد. همان‌گونه که باید ساده‌اندیشی و خوش‌باوری جریان غرب‌گرا، و خسارت‌های ملی آن نیز، صریح و بی‌پرده در تاریخ ثبت شود.

آیا هنوز هم باید نسبت به آن تفکری که «دشمن را دوست» دید و «عبرت‌ها را تجربه» کرد، مدارا به خرج داد؟ یا وقت آن نرسیده که مسئولیت‌های تلخ این ساده‌اندیشی‌های راهبردی به صراحت پذیرفته شود؟

مسئولیت مشخص شود؛ تاریخ منتظر پاسخ است

حال که یک دهه از آغاز این «خسارت محض» گذشته است، زمان آن رسیده که مسببان اصلی توافق، به روشنی درباره نیت، هدف و فرآیند شکل‌گیری آن پاسخ دهند. اگر واقعاً هدفشان برداشتن تحریم‌ها بود، چرا چنین نشد؟ اگر جلوگیری از جنگ بود، چرا جنگ در دهمین سال این توافق و در سایه تفکر برجامی به وقوع پیوست؟ اگر توسعه اقتصادی بود، چرا وضعیت معیشت با روندی معکوس روبه‌رو شد؟ تاریخ، منتظر پاسخ است؛ پاسخ صریح، مستند و بی‌پیرایه.

اما آیا حتی یک‌بار، در طول این ده سال، از زبان بانیان برجام جمله‌ای از جنس مسئولیت‌پذیری شنیده شده است؟ نه‌تنها هیچ‌گاه عذرخواهی یا حتی پذیرش اشتباه صورت نگرفت، بلکه با اعتمادبه‌نفس کامل، باز هم نسخه همان تفکرِ شکست‌خورده برای آینده پیچیده شد. در فضای رسانه‌ای و سیاسی کشور، هنوز هم کسانی که طراح و مجری این خسارت بودند، به جای پاسخگویی، طلبکارانه سخن می‌گویند و در فراری رو به جلو، بی‌پیرایه درباره وقایعی که در پیشگاه ملت ایران است دروغ گفته و با بی‌اعتنایی کامل به واقعیت‌های میدانی، همچنان در لباس تحلیلگر، مشاور و سخنران ظاهر می‌شوند!

یکی از خطرناک‌ترین وجوه این ماجرا، نه صرفاً برجام، بلکه نپذیرفتن خطای تاریخی آن است. هیچ ملتی از اشتباه مصون نیست. اما آنچه ملتی را از درون فرومی‌پاشد، نه خطای گذشته، بلکه اصرار بر تکرار آن در آینده است.

مسببان این توافق، باید به جای فرار به جلو، صادقانه و علنی به مردم پاسخ دهند: آیا متن توافق را کامل خوانده بودند یا خیر؟ آیا فهمی از ساختار حقوقی و تصمیم‌گیری آمریکا داشتند یا نه؟ آیا شناختی از ساختار حقوق بین‌الملل و تاثیر یا بی‌تاثیری آن در مواجهه با ساختار سیاسی نظام بین‌الملل دارند؟ آیا پیش‌بینی کرده بودند که اگر فردی همچون ترامپ به قدرت برسد چه ابزاری برای وادارسازی آمریکا به اجرای تعهداتش دارند؟ اگر نه، چرا برای دوران او چاره‌اندیشی نکردند؟ و در نهایت، آیا مردم ایران مستحق این حجم از دروغ‌پردازی و فریب بودند؟

نمی‌توان از ده سال فریب‌کاری رسانه‌ای عبور کرد و از کسانی که به مردم گفتند «صبح اجرای توافق، همه تحریم‌ها لغو خواهد شد» مطالبه‌ای نداشت. نمی‌توان فراموش کرد که چگونه منتقدان را به محاکمه و ساکت کردن تهدید کردند و در عوض، دستان خود را برای فریبکارترین رژیم‌های غربی دراز کردند.

مردم، امروز درگیر نتایج همان وعده‌های پوچ هستند. وعده‌هایی که برای تصویبشان، ده‌ها دروغ گفته شد. از حذف کامل تحریم‌ها در روز اجرای برجام، تا ورود صدها میلیارد دلار، تا سرمایه‌گذارانی که قرار بود از فرودگاه صف بکشند!

اکنون اما نه از آن پول خبری شد، نه از آن شرکت‌ها، نه از آن وعده‌ها. آنچه ماند، تحریم بیشتر، فشارهای شدیدتر و جنگ مستقیم علیه کشور است.

موفقیت در عبور از برجام، نه تکرار آن

اکنون و در دولت چهاردهم، موفقیت در گرو عبور کامل از تفکر برجامی است. تفکری که کشور را به نقطه ضعف کشاند، ظرفیت‌ها را از بین برد، و دشمن را جسورتر کرد. ایران امروز نیازمند ایستادن بر شانه‌های قدرت ملی و خودباوری است، نه دل بستن به وعده‌های واشنگتن.

برجام، «توافقی برای تعلیق عزت ملی» بود. توافقی که نه‌تنها هیچ خیری به ایران نرساند، بلکه توان کشور را در برابر دشمنان، تحلیل برد. راه نجات، نه در مذاکره به سبک برجام، بلکه در ساختن اقتداری است که حتی دشمن هم جرأت نزدیک شدن به مرزهای ایران را نداشته باشد.

دهمین سالگرد برجام، نه فرصتی برای جشن و دفاع، که روز حساب و بازخواست است. باید مشخص شود که آنچه به نام «عقلانیت» و «تعامل» تحمیل شد، با چه هدفی طراحی و اجرا گردید و چرا هنوز کسی مسئولیت آن را به دوش نمی‌گیرد؟ تاریخ، این بار نه بر اساس روایت رسمی، که بر اساس واقعیت‌های میدان، قضاوت خواهد کرد. و این قضاوت، برای بانیان برجام، سنگین‌تر از آن است که با چند جمله پاک شود.

نه مردم ایران، و نه تاریخ این سرزمین، دیگر مجال تجربه کردن چنین فریب‌هایی را نخواهند داد.

بانیان برجام باید به جای نقش‌آفرینی در آینده، پاسخ‌گوی گذشته‌ای باشند که آن را رقم زدند و هزینه‌هایش را ملت پرداخت.

ایران، امروز بیش از هر زمان به عبور از تفکر برجامی نیاز دارد؛ تفکری که باید نه در متن سیاست، که در زباله‌دان عبرت‌ها بایگانی شود.

سرلشکر موسوی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح:

شمشیر برّان نیروی هوافضای سپاه دست دشمنان را قطع کرد

رئیس ستادکل نیروهای مسلح در بازدید از نیروی هوافضای سپاه گفت: نمایش قدرت توسط نیروی هوافضا در طول جنگ ۱۲روزه تحمیلی بسیار بزرگ‌تر از کارهایی که تاکنون انجام داده، حتی مهم‌تر از عملیات‌های بزرگ دوران دفاع مقدس بوده است.

امیر سرلشکر موسوی، رئیس ستادکل نیروهای مسلح در دیدار جمعی از رزمندگان نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با گرامیداشت یاد و خاطره شهدای اقتدار ایران اسلامی، به‌ویژه شهید والامقام سرلشکر پاسدار امیرعلی حاجی‌زاده، از نقش‌آفرینی‌های برجسته آن شهید در پیشبرد برنامه‌های راهبردی نیروی هوافضای سپاه و ارتقاء توان موشکی و پهپادی کشور تجلیل کرد و نقش وی در عرصه تحکیم اقتدار دفاعی و قدرت بازدارندگی ایران برابر دشمنان را ماندگار و الهام‌بخش نسل‌های آینده مدافع میهن اسلامی دانست.

رئیس ستادکل نیروهای مسلح، نیروی هوافضا سپاه پاسداران را نیروی عزت‌آفرین عنوان کرد و افزود: نمایش قدرت توسط نیروی هوافضا در طول این جنگ ۱۲ روزه تحمیلی بسیار بزرگ‌تر از کارهایی که تاکنون انجام داده، حتی مهم‌تر از عملیات‌های بزرگ دوران دفاع مقدس بوده است. سرلشکر موسوی با بیان اینکه هیچ‌گاه موجودیت و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران به این شکل به خطر نیفتاده بود، تصریح کرد: این شمشیر برّان نیروی هوافضا بود که به‌یاری خدا موفق شد گردن دشمنان را بزند و دستان آنان را قطع کند.

به گزارش تسنیم، وی با اعلام اینکه بخش ساخت و تولید با سرعت، قدرت و به‌صورت شبانه‌روزی فعال است، گفت: ایمان داریم که عزم، اراده، توانمندی و شجاعت این رزمندگان و فرزندان راستین انقلاب اسلامی پرچم سرداران بزرگی را که در این حادثه از دست دادیم به زمین نخواهند گذاشت و قطعاً تا پیروزی کامل جمهوری اسلامی ایران پیش خواهند رفت و خدمت مقام معظم رهبری و فرمانده معزز کل قوا داشتن چنین سربازانی را تبریک عرض می‌کنم و به همه ملت ایران این قوت قلب را می‌دهم تا زمانی که این سربازان شجاع و قدرتمند هستند اجازه نخواهند داد امنیت این کشور به خطر بیفتد و دشمن هم اگر دوباره مرتکب خطایی شود رزمندگان ما کاملاً آماده‌اند تا پاسخی پشیمان‌کننده و محکم‌تر از قبل به او بدهند.

سردار موسوی: ابلاغی «دست بر ماشه» همچنان برای مقابله با هرگونه خطای محاسباتی دشمن آماده هستیم

در این دیدار، سردار موسوی فرمانده نیروی هوافضای سپاه با ارائه گزارشی از عملیات وعده صادق ۳ و دستاوردهای آن برای ملت ایران، هماهنگی و هم‌افزایی این نیرو با ستادکل، قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیاء(ص) و سایر نیروهای مسلح کشور در این رویداد بزرگ تاریخی را تشریح کرد و با اشاره به آمادگی‌های عملیاتی و راهبردی این نیرو بیان داشت: به‌فضل الهی و بر اساس تدابیر ابلاغی «دست بر ماشه» همچنان برای مقابله با هرگونه خطای محاسباتی و ماجراجویی احتمالی مجدد دشمن آماده هستیم.

نبویان: فعال‌شدن مکانیسم ماشه، بیشتر اثر روانی دارد تا اقتصادی

نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی گفت: بعضی‌ها می‌گویند اگر قطعنامه‌های شورای امنیت دوباره برگردد، فاجعه می‌شود اما این حرف بیشتر بار روانی دارد تا واقعیت اقتصادی.

حجت‌الاسلام سیدمحمود نبویان، نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس و نماینده مردم تهران در گفت‌وگو با فارس در تشریح مکانیسم ماشه گفت: در هر توافق بین‌المللی، معمولا بندی را می‌گذارند که اگر یکی از طرفین تعهداتش را انجام نداد، طرف مقابل بتواند تحریم‌ها را بازگرداند. در برجام، این مکانیسم را طراحی کردند تا تحریم‌ها به صورت اتوماتیک بازگردد؛ به همین دلیل به آن «ماشه» یا «اسنپ‌بک» می‌گویند. اکنون اروپایی‌ها به بهانه‌های واهی گفته‌اند که می‌خواهند این مکانیسم را فعال کنند. در حالی که جمهوری اسلامی بارها اعلام کرده هر اقدام غیرقانونی در این مسیر، پاسخ متقابل و قاطع خواهد داشت. ما این موضوع را با دقت رصد می‌کنیم و ان‌شاءالله ملت بزرگ ایران در این مسیر هم پیروز خواهد بود.

نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس افزود: با این حال برای فهم سازوکار حل اختلاف در برجام، باید به ساختار خود برجام توجه کرد. برجام شامل یک مقدمه، یک متن اصلی با حدود ۳۷ بند و پنج ضمیمه است. در این میان، بندهای ۳۶ و ۳۷ برجام مستقیماً به سازوکار حل‌وفصل اختلافات می‌پردازند که به آن «مکانیزم ماشه» نیز گفته می‌شود.

دام حقوقی برجام برای ایران حتی در جایگاه شاکی

حجت‌الاسلام نبویان همچنین اظهار داشت: در گذشته، با اجرای برجام، شش قطعنامه تحریمی شورای امنیت علیه ایران لغو شده بود. حالا اگر شکایت به شورای امنیت برود، طبق بند ۳۷، شورای امنیت باید قطعنامه‌ای صادر کند که موضوعش ادامه لغو تحریم‌ها باشد. اگر این قطعنامه تصویب نشود، به‌طور خودکار تمام قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت علیه ایران احیا می‌شوند. این‌جا نکته مهم این است که اگر قرار بود شورای امنیت درباره بازگشت تحریم‌ها رأی‌گیری کند، روسیه و چین می‌توانستند آن را وتو کنند. اما در سازوکار فعلی، موضوع قطعنامه این است که آیا لغو تحریم‌ها ادامه پیدا کند یا نه؛ و آمریکا، فرانسه و انگلیس می‌توانند به راحتی ادامه لغو را وتو کنند. در این حالت، تحریم‌های قبلی به‌طور خودکار بازمی‌گردند.

بازگشت قطعنامه‌های شورای امنیت بیشتر اثر روانی دارد تا اقتصادی

نماینده مردم تهران همچنین اذعان داشت: تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران را باید به سه دسته اصلی تقسیم کرد؛ اول تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل، همان قطعنامه‌هایی که برخی می‌گویند با برجام لغو شده است. دوم تحریم‌های یکجانبه اتحادیه اروپا و سوم و مهم‌تر از همه تحریم‌های جانبی یا به‌اصطلاح ثانویه آمریکا. حالا بیاییم بررسی کنیم که واقعاً کدام‌یک از این تحریم‌ها اثر تعیین‌کننده دارد؟ وی اضافه کرد: می‌گویند در برجام تحریم‌های شورای امنیت لغو شده است. خب، فرض کنیم این حرف درست باشد. سؤال اینجاست؛ مگر الان این تحریم‌ها لغو نشده؟ لغو شده؛ پس چرا ما همچنان تحت تحریم نفتی هستیم؟ چرا هنوز نمی‌توانیم پول حاصل از فروش نفت را در بانک‌ها جابه‌جا کنیم؟ پاسخ این است؛ تحریم‌های شورای امنیت اساساً ارزش اقتصادی تعیین‌کننده‌ای نداشتند و ندارند. مهم‌ترین تحریم‌ها، تحریم‌های ثانویه آمریکاست که کمر اقتصاد ایران را هدف گرفته است. نکته دوم اینجاست که آمریکا ما را تحریم کرده، اما سؤال این است؛ چرا آلمان، انگلیس، فرانسه، ژاپن و سایر کشورها با ما ارتباط بانکی ندارند؟ دلیلش همین تحریم‌های ثانویه آمریکاست. یعنی آمریکا تهدید می‌کند که هر بانکی با ایران همکاری کند، خودش را از دسترسی به بازار آمریکا محروم می‌کند. خب کدام بانک حاضر است این ریسک را بپذیرد؟ حجت‌الاسلام نبویان همچنین اشاره کرد: حالا بعضی‌ها می‌گویند اگر قطعنامه‌های شورای امنیت دوباره برگردد، فاجعه می‌شود. اما این حرف بیشتر بار روانی دارد تا واقعیت اقتصادی. هیچ تحریم تازه‌ای که به وضعیت فعلی ما اضافه شود وجود ندارد. همان‌هایی که باید ما را تحریم کنند، قبلاً تحریم کرده‌اند. بنابراین نیازی نیست ما دوباره برویم امتیاز بدهیم. باید محکم بایستیم.

وی یادآور شد: من این نکته را چند بار هم به وزیر خارجه خودمان گفته‌ام، هم در کمیسیون‌ها تذکر داده‌ام. همیشه هم گفته‌ام: اینها دنبال توافق نیستند. اینها دنبال گرفتن امتیاز بیشتر از ملت ایرانند. شما نباید عقب‌نشینی کنید.

مقایسه قطعنامه‌های شورای امنیت با برجام

حجت‌الاسلام نبویان در ادامه گفت‌وگو افزود: من ماه‌ها وقت گذاشتم و تک‌تک این قطعنامه‌ها را خواندم مثلاً قطعنامه‌های ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵ و ۱۹۲۹ و با متن برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ که پشتوانه برجام است مقایسه کردم. نتیجه؟ خ